

پیام سازمان جوانان توده ایران به دانش آموزان و دانشجویان ایران به مناسبت آغاز سال تحصیلی

امپریالیسم آمریکا، در منطقه خلیج فارس فراهم آورده و استقلال و تمامیت ارضی میهن ما را دچار مخاطره جدی کرده اند.

آتش جنگ امپریالیسم پرافروخته پیش از همه دامنگیر شما جوانان ونوجوانان زحمتکش میهن ما بوده است. این جنگ ویرانگر تاکنون سبب کشتار و زخمی و معلول، کشتن پیش از یک میلیون نفر از هم وطنان ما گردیده است. خسارت های اقتصادی جنگ سر به صدا میلیاردها دلار می زند.

رژیم باپافشاری برادامه این جنگ ضد مردمی جامعه را دچار بحران عمیقی کرده است. همه برنامه های اقتصادی بقیه در ص ۶

دانش آموزان و دانشجویان عزیز!

آغاز سال تحصیلی را به شما فرزندان کارگران، دهقانان و دیگر زحمتکشان میهن ما تبریک می گوئیم و سالی پربار برای شما و جنبش مترقی دانش آموزی و دانشجویی کشورمان در جهت کسب حقوق صنفی و سیاسی و ادای سهم فعال در تحقق آرمان های جنبش ملی و دمکراتیک کشورمان آرزو می کنیم.

سال تحصیلی ۶۷-۶۶ در شرایطی آغاز می گردد که میهن ما در وضعیت بسیار بحرانی و دشواری قرار دارد. سران مرتجع جمهوری اسلامی با پافشاری چون آمیز پر ادامه جنگ ۷ ساله و ویرانگر ایران و عراق بهانه ای دیگر برای حضور نظامی پی سابقه امپریالیسم جهانی، به سرکردگی



شماره ۱۷۲ دوره هشتم
سال سوم - شنبه ۱۳۶۶/۶/۲۴
شماره ۲۰ ریال

چرخش ۱۸۰ درجه ای

خمینی باسرداری از منافع "قشر مستکبر" را بمنزله "یک چرخش ۱۸۰ درجه ای از روح انقلاب و اسلام" خواند و پیروانش را از آن برحذر داشت.

چرخش از هدفهای انقلاب و پشت کردن به منافع محرومان و زحمتکشان، که دولتمردان چ.ا. تاکنون به لطایف الحیل کوشیده اند تا آن را انکار کنند و موفق نشده اند، دیروز و امروز انجام نشده، بلکه ریشه چند ساله دارد. بیورش بهیمی به سازمانهای دمکراتیک و انقلابی، بویژه حزب توده ایران، مهر چرخش بنیادی بست غارتگران اجتماعی و باسرداری قطعی از منافع آنان را بر پیشانی رژیم چ.ا. کوبید. آنچه که امروز باسدت و حدت در سطح جامعه جریان دارد، از بی آمدهای این چرخش است.

خمینی و پیروانش روی نیروی زیاد خود در جامعه حساب می کردند و همین را وسیله ای برای فشار به نیروهای مترقی و انقلابی و ایجاد جو اختناق قرار دادند. آنچه که برای آنها قابل پیش بینی نبود این بود که در جریان چرخش ۱۸۰ درجه ای وسعت پایکامشان روز بروز کمتر و کمتر بشود و روزی خود را در لبه پرتگاه ببینند.

نخست وزیر که ظاهراً به خطری که موجودیت رژیم را تهدید می کند پی برده است، هنگام تشریح "دو دیدگاه اقتصادی موجود" اعلام می کند که "اگر الان ما نتوانیم امکانات خودمان را در خدمت مستضعفین در بیاوریم، دیگر توانی برای دفاع از اسلام در آنها باقی نمی ماند و از آنجا که این مسئله با سرنوشت انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی ارتباط مستقیم دارد ما نمی توانیم و نباید لحظه ای از این سرنوشت غافل باشیم".

در صفحات بعد

آرایش کنونی نیروهای اجتماعی و نفوذ عامل مذهب در جهان عرب

در ص ۴

صحنه اصلی مبارزه کجاست؟

شبهه هائی از مبارزه را به عنوان شبهه های عمده معرفی کنند که به هیچ رو به سود جنبش نیست. در شرایط کنونی امپریالیسم و ارتجاع با توجه به آشفته اندیشی و افتراق حاکم بر جبهه نیروهای مترقی و انقلابی، با تمام توان می کوشند تا تخم این اندیشه را بیافشانند که در حال حاضر "صحنه اصلی مبارزه" "صحنه" "مبارزه" علیه حزب توده ایران است و نیروهای انقلابی باید برای تحقق مجموعه آمجهای اجتماعی خود در کام نخست "کار حزب توده را بیکسره کنند".

متأسفانه پانگامی گذرا به تشریفات بسیاری از گروههای چپ در می یابیم که این گروهها آشکارا به دام صحنه پردازیهای امپریالیسم و ارتجاع می افتند و چه بسا که در گرد و غبار تبلیغات ضد توده ای، صحنه اصلی نبرد را کم می کنند و دنبال نخود سیاهی می روند که امپریالیسم و ارتجاع تلاش می ورزند تا آنها را با برخی زمینه سازیهایی دنبالش بفرستند. در شرایط کنونی، در میهن ما، صحنه اصلی نبرد، صحنه "بیکار بخاطر سرنوشت رژیم" ولایت بقیه در ص ۲

در عرصه "بیکار اجتماعی و مبارزه طبقاتی"، انتخاب صحنه مبارزه و شکل و شیوه مبارزه از اهمیت بسیاری برخوردار است. نیروهای انقلابی اگر در این زمینه تحت تاثیر هر عاملی - خواه عینی یا ذهنی - دچار خطا شوند، راه شکست جنبش را هموار می کنند.

بویژه پیروان راستین سوسیالیسم علمی در هر لحظه معین باید آن صحنه ای از مبارزه را انتخاب کنند که در واقع به بهترین وجهی پاسخگوی پیشبرد وظایف اصلی و مبرم آن لحظه معین باشد و شرایط گسترش مبارزه و اعتلا جنبش و وارد آوردن ضربه بر بیکر ضد انقلاب را بشکلی هر چه قاطع تر، آسانتر و سریعتر فراهم سازد. نیروهای انقلابی باید با روش بینی از کارزارها و صحنه های مبارزه ای که دشمن تلاش می ورزد به آنها تحمیل کند و در واقع به دشمنان بماند از دوری جویند.

باید این واقعیت را در نظر داشت که امپریالیسم و ارتجاع تلاش می ورزند برای منحرف ساختن جنبش و کشتن نیروهای انقلابی به بیراهه، صحنه مبارزه مصنوعی بوجود آورند و با

اجرای قننامه شماره ۵۹۸ خواست مردم ماست

خلیج فارس، این منطقه دارای ذخایر عظیم نفت و گاز جهان، از دیرگاه جای خاصی در طرح های استراتژیک سیاسی و نظامی رهبران ایالات متحده آمریکا داشته است. ادامه جنگ ایران و عراق و در پی آن افزایش بحران در خلیج فارس این واقعیت را یکبار دیگر به اثبات رساند، که آمریکا با ایجاد بحران های منطقه ای راه را برای تشدید حضور نظامی و سیاسی خود به منظور تحقق هدف های استراتژیک و تجاوزگرانه اش علیه خلق های منطقه هموار می سازد.

هم اکنون تعداد زیادی کشتی جنگی و خارجی در آب های خلیج فارس و اطراف آن مستقر شده اند، که تا پایان ماه جاری مسیحی رقم آنها بقیه در ص ۲

ادامه جنگ ایران و عراق و افزایش وخامت در خلیج فارس همچنان چشمان نگران جهانیان را پسوی خود جلب کرده است. در شرایطی که کمتر از دو هفته به هشتمین سالگرد نزول این "رحمت الهی" مورد نظر سران مرتجع جمهوری اسلامی مانده، مداخله آشکارتر آمریکا و همپیمانانش در این مناقشه منطقه را با خطرانی جدی و غیرقابل پیش بینی مواجه ساخته است. طی روزهای اخیر با از سر گرفته شدن "جنگ نفتکش ها" در خلیج فارس، پیش از ۲۰ کشتی متعلق به کشورهای مختلف هدف حملات ایران و عراق قرار گرفته اند. این امر امنیت منطقه را پخطر انداخته و پیوسته دایره افزایش تشنج و دخالت امپریالیسم را وسیع تر می کند.

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنوشتی رژیم جمهوری اسلامی!

صحته اصلی مبارزه . . .

فقیه" و "ولایت فقیه" اصلی شرکت هر چه بر توان ترد در این بیکار و تلاش برای اتحاد نیروها و تشکیل جبهه متحد خلق است.

همین جا خاطر نشان می‌سازیم، اینکه امیربالیسم و ارتجاع با دستگاه تبلیغاتی عظیم خود هر روز به شکلی از اشکال سعی می‌کنند بحث پیرامون جنبش کارگری و کمونیستی ایران و بویژه حزب توده ایران را "داغ" و "داغتر" سازند و به مسئله اصلی نیروهای مخالف رژیم تبدیل کنند، بخودی خود باید نیروهای انقلابی راه تفکر و اداریه ضد انقلاب می‌خواهد با دامن زدن به بحثهای غسطله آمیز و وارونه نشان دادن حقایق مربوط به زندگی حزب ما، به پیشداوریها و برخوردهای ناسالم دامن بزنند، افتراق و پراکندگی بین نیروهای انقلابی را حفظ و تشدید کند و در راه پیوستن مبارزان جوان و پر شور انقلابی که پدستی اندیشه‌های سوسیالیسم علمی پی می‌برند، بویژه به صفوف حزب ما، سنگ بیندازد.

در این رهگذر اگر شناخت صحته اصلی مبارزه با بکارگیری اشکال و شیوه‌های درست مبارزه همراه نگردد، بدون تردید برای مبارزان انقلابی میوه‌های تلخی به بار خواهد آورد و می‌تواند زمینه شکست این با آن نیروی سیاسی و باطنور کلی جنبش انقلابی را فراهم سازد.

حزب توده ایران با الهام‌گیری از اندیشه دوران ساز لنین، بر آن است که در راه سرنوشتی رژیم "ولایت فقیه" هیچیک از اشکال و شیوه‌های مبارزه انقلابی را نمی‌توان و نباید از پیش تعیین و آن را به عنوان یگانه راه مطلق کرد. به اقتضای شرایط مشخص اجتماعی و سیاسی و ضرورت لحظه، از جمله چگونگی و اکنش رژیم در برابر جنبش انقلابی خلق، شیوه‌های گوناگون مبارزه - اعم از مسلحانه و یا غیر مسلحانه - را می‌توان و باید بکار گرفت.

در زمینه گزینش شیوه مبارزه ما بر آنیم که با ارزیابی دقیق و همه جانبه تناسب نیروها در هر لحظه، باید آن شیوه‌ای را به عنوان شیوه عمده مبارزه در دستور روز مبارزه خود قرار داد که بتواند از پشتیبانی توده‌ها برخوردار شود، دشمن را ناتوان و ناتوان‌تر سازد و توده‌های خلق را در راه رسیدن به هدف توانمند و توانمندتر کند، آرایش نیروهای ضد انقلاب را درهم شکند و امکان اعمال اراده خلق را تأمین کند.

بر این بنیان، آنچه اهمیت اساسی و کلیدی دارد، این است که گردانهای پیشتاز خلق تلاش بپورزند و از هر جهت آمادگی آفرا کسب کنند و تدارک آفرا ببینند که متناسب با شرایط لحظه از همه شیوه‌های مبارزه استفاده کنند.

در پایان تأکید بر این نکته ضروری است که نیروهای انقلابی هرگز نباید تحت تأثیر یا فشار به اصطلاح "جو حاکم" قرار گیرند و در برابر جریانها و مواضع فکری نادرست و گرایشهای چپ‌روانه یا راست‌روانه کرنش کنند تا بقول معروف در این مسابقه از دیگران عقب نمانند. باید با احساس مسئولیت ژرف در قبال خلق و جنبش، متناسب‌ترین صحته مبارزه و اشکال و شیوه‌های آن را برگزید و از هرگز راهی زحمتکشان به کوره راههای بی‌سرانجام کشیده نشد. همچنین باید با

چرخش ۱۸۰ درجه‌ای بقیه ارضه ۱

همچنین محتشمی، وزیر کشور، در رابطه با گرائی سرام آور از "حالت کشنده‌ای" سخن به میان آورد که "انقلاب اسلامی را آسیب‌پذیر می‌کند". وی می‌برد؛ اگر مردم نتوانند امرار معاش کرده و زندگی روزمره خود را بچرخانند چه تضمینی وجود دارد که در صحته بمانند؟

چنین اعلام خطرهای نیز کار امروز و دیروز نیست. مدت‌هاست که گردانندگان رژیم چ. ا. خطر را بیخ گوش خود احساس می‌کنند، چرا که خود شاد می‌باشند بر ناراضی سرعت رو به گسترش توده‌ها از وضع موجود هستند. توده‌ها غارت افسار گسیخته دسترنجشان را می‌بینند و شاهدهند که چگونه چرخ تولید، چه در صنعت و چه در کشاورزی و دامداری از کار می‌افتد.

در چنین شرایطی انتظار اوج‌گیری جنبش می‌رود. بنابراین خمینی که نگران بی‌آمدهای "چرخش ۱۸۰ درجه‌ای" است بباد مردم افتاده و پیروانش نیز در تاسی از او در بوق حمایت از منافع "محرمان" و "مستضعفان" می‌دمند. تلاش آنها بر این است تا شاید بتوانند با دستبازی به عوام‌فریبی و اقدامهای سطحی اوج‌گیری جنبش را به عقب بپندارند.

برنامه مبارزه با گرانفروشی که با سر و صدای بسیار زیادی توأم بود و هت، در این جهت سازماندهی شد. اما از هم‌اکنون بی‌شمر بودن آن مشاهده می‌شود و روشن است که اکثریت مردم، بویژه توده‌های زحمتکش، به چنین عوام‌فریبی‌هایی دیگر باور نمی‌کنند، چرا که دهانشمونه آن را، چه پیش و چه پس از انقلاب تجربه کرده‌اند و دیده‌اند که شمری نداشته است.

"اطلاعات" (بویژه گولان و زنجان) با اشاره به اینکه تمام و بیا بیشتر اجناس شرح‌گذاری شده در نهایت نابید و گران شده و اظهار نومی‌دی از اینکه با این اقدامات محدود دولت نهایستی انتظار داشت که عملاً جلوی تورم حاد و افسارگسیخته گرفته شود، نکته قابل‌تأملی را باز می‌گوید: "هر کاری را که دولت رویش انگشت می‌گذارد عده‌ای همان را نشان می‌کنند و از همان راه که قبلاً ناشناخته بود و سودی برایشان نداشت درآمدهای کلان کسب می‌کنند و متأسفانه این ضعف دستگاههای اجرایی کشور است."

شناخت دقیق از عرصه‌های گوناگون مبارزه، در هر لحظه معین، در آن صحته‌ای به رویارویی با دشمن برخاست که خود در آن صحته توانا تر و دشمن ناتوان‌تر است. به دیگر سخن نباید گذارد که دشمن ابتکار عمل را بدست گیرد و صحته مبارزه دلخواه خود را به ما تحمیل کند، بلکه این مانع که باید با درک عمیق لحظه و ارزیابی واقع‌بینانه از نقاط ضعف و قوت خود، حریف را به میدان دلخواهمان بکشانیم و ضربات درم شکننده‌ای بر پیکرش وارد سازیم.

در حال حاضر صحته اصلی مبارزه در کشور ما، صحته مبارزه در راه سرنوشتی رژیم "ولایت فقیه" با توسل به همه اشکال مبارزه طبقاتی (سیاسی، اقتصادی و ایدئولوژیکی) است. برای پیروزی در این نبرد باید توده‌ها را آگاه و متشکل ساخت و زمینه را برای بکارگیری شیوه‌های عالی‌تر مبارزه آماده ساخت.

آری، ناپسامانی "دستگاههای اجرایی کشور" عمیق‌تر و ریشه‌دارتر از آن است که بتوان آن را از انظار پنهان ساخت. مردم خوب می‌دانند که ریشه بیماری در وجود خود رژیم است. رژیم که در ارگانهای اجرایی آن سرشته کارهای مهم اغلب در دست رشوه‌گیران و پنجله‌های "طافوتی" و "غیر طافوتی" و قشر انگل‌پور و بازی‌پور و کراتیک است و همه چیز از کانال قدرت چینی آنها می‌گذرد، در عمل نشان داده که نمی‌تواند گامی به نفع زحمتکشان و خلاف منافع کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان بردارد. این است که حتی با اصطلاح مبارزه با گرانفروشی آن نیز وسیله سودجویی می‌شود.

اینک فساد اداری تمام تار و پود رژیم را فرا گرفته و آنچنان تأثیر مخربی بر روند اداره جامعه و در جهت انباشت بی‌حساب سرمایه در جیب زالوصفتان گذاشته که سر و صدای همه، حتی برخی از نمایندگان مجلس، بلند شده است. از بانکهای کشاورزی سخن گفته می‌شود که پولهای کلان را به همان پولداران نظام ستمشاهی می‌دهند و فقر را برای اینکه پشتوانه‌ای برای پرداخت وام ندارند از دادن وام محروم می‌کنند. از مهندسانی حرف می‌زنند که با گرفتن رشوه در طرح فضای سبز چند صد میلیون تومان به جیب شد انقلاب دزد ریختند. در چارچوب فاصله و حشمتناک سطح زندگی میان شهر و روستا، از وزیر بازرگانی رژیم یاد می‌شود که می‌گوید: "جنس به اندازه کافی نداریم و ناچار به شهری‌ها می‌دهیم نه به روستاییان". از آن کارشناسان دادگستری و معیاران مالیاتی سخن گفته می‌شود که با خانها و دلانها زد و بند می‌کنند. با توجه به چنین واقعیهائی است که یکی از نمایندگان می‌گوید: "یک انقلاب اداری از نان شب هم واجب‌تر است". در واقع وی از رژیمی که سر تا پا در فساد غوطه‌ور است می‌طلبد که انقلاب اداری کند و این غیر ممکن است.

هاشی رفسنجانی "طرز تفکر غلطی" را نکوهش می‌کند که دارندگان آن می‌گویند "بگذاریم از راه اقتصاد آزاد و نژدن قید و بند بیای هیچکس اینها (سرمایه‌داران) هر چه می‌خواهند بکنند". او چنین وانمود می‌کند که گویا وجود اهرمهای اقتصادی در دست صاحبان این "طرز تفکر" توهمی بیش نیست و بند و اندرز میدهد که "ما باید این طرز تفکر غلط را دور بپنداریم". آیا مردمی که در امر معاش خرد درمانده‌اند و فشار و حشمتناک غارتگران اجتماعی را با گوشت و پوست و استخوان خود لمس می‌کنند، ژست فریبکارانه امثال رفسنجانی را باور می‌کنند؟ بدون هیچ تردیدی نه. مردم و حتی برخی از طرفداران حاکمیت بطور کلی از کوتاه شدن دست سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ از حلقوم زحمتکشان و رشد اقتصادی سالم و غیر وابسته دل‌کنده‌اند. بی دلیل نیست که موسوی نخست‌وزیر در سخنان خود در مورد "توسعه اقتصادی" به کسانی اشاره می‌کند که معتقدند: "در جامعه‌ای که اساس آن بر بیعدالتی گذاشته شده و تلاش برای توزیع امکانات بصورت عادلانه بعمل نیامده، اصولاً رشد اقتصادی بصورت سالم و غیر وابسته نمی‌تواند بوجود آید."

آری "چرخش ۱۸۰ درجه‌ای" از دهلهای انقلاب و خیانت رژیم به منافع زحمتکشان امری است محقوم و تا زمانی که پیروان "ولایت فقیه" خدمت را در دست دارند، روندی بازگشت ناپذیر است.

اجرای قطننامه شماره ۵۹۸...

به افتاد سر خواهد زد. جلوگیری از "خطر نفوذ شوروی در منطقه"، حفظ آزادی کشتیرانی و تامین جریان آزاد نفت تنها بهانه‌هایی بودند تا "واشنگتن" حضور بی سابقه ناوگان نظامی خود را، که شامل ۴۱ فروند رزمناو بزرگ و کوچک و ۲۵ هزار سرباز ویژه "نیروهای اقدام سریع" است، در این نقطه از جهان توجیه کند. این لشکر کشتی عظیم "واشنگتن" نه تنها امنیت بیشتری را برای خلق‌های منطقه به ارمغان نیاورده، بلکه آمد و شد هر کشتی خارجی و نیز جریان عادی صدور نفت از این منطقه را فلج کرده است.

آمریکا از جمله برای توجیه حضور گسترده خود در خلیج فارس و برای جلب اعتماد بیشتر کشورهای عرب، که در جریان ماجرای "ایران گیت" ضربه خورده بود، به تلاش‌های پرداخته‌ای دست زده است. برای افزایش موج درگیری میان ایران و عراق و دستیابی به دستاویزهای تازه "واشنگتن"، از سوئی عراق رادر جریان اطلاعات مربوط به محل استقرار صنایع و ترمینال‌های نفتی ایران قرار می‌دهد و از سوی دیگر کانال‌های قاچاق اسلحه به ایران را باز نگه میدارد. طرح‌های مین گذاری سواحل ایران و وارد آوردن ضربه موشکی به هدف‌های مورد نظر در ایران - که از سوی "پنتاگون" برای شرایط معینی تهیه و تدارک دیده شده است - حاکی از آن است که آمریکا و هم پیمانانش نه تنها تمایلی به پایان یافتن این جنگ ۷ ساله ندارند، بلکه تلاش می‌ورزند، از وضعیت متشنج کنونی حداکثر بهره‌برداری را، از جمله برای پدست آوردن پایگاه‌هایی در منطقه، بعمل آورند. آرزوی دست یافتن به "پیروزی" حتی به قیمت میلیون‌ها کشته و آواره، که رژیم را از برخورد منطقی با واقعیت‌های جهان امروز بازداشته، نگرانی خلق‌های منطقه را پرانگیخته است. سخنان تهدید آمیز رچائی خراسانی مبنی بر اینکه زدن کلیه پایگاه‌های کشورهای متحد عراق در منطقه برای ما مشروع خواهد بود" و همچنین مین گذاری سواحل برخی کشورهای جنوبی خلیج فارس توسط آمریکا و شلیک موشک‌های "سرگردان" پسوی سواحل و مراکز اقتصادی کویت این نگرانی را دو چندان ساخته است.

رژیم جمهوری اسلامی در پی انزوای پیش از پیش در صحنه بین المللی و فشار افکار عمومی جهانیان از یک سو اعلام می‌کند که "نکات مثبتی" در قطننامه ۵۹۸ شورای امنیت یافته است و از سوی دیگر در اطلاعیه‌ها، گفتگوها و تفسیرهای رنگارنگ حل مسالمت آمیز جنگ، آتش پس فوری در چپه و خودداری از تشدید فعالیت‌های جنگی، که در قطننامه ۵۹۸ بر آنها تاکید شده است، "مضربه حال آرمان مستضعفان و انقلاب اسلامی" قلمداد می‌شود. همچنین رژیم با مظلوم‌نمایی تلاش می‌ورزد، تا اوضاع کنونی جنگ را با شرایط پس از دفع تجاوز عراق یکسان جلوه گر سازد.

بازی "دمکراسی"...

برای همکاری هر چه نزدیکتر با ارتجاع ترکیه پرداخته. اکنون دیگر اچویت و دمیرل، نخست وزیران سابق ترکیه، و همچنین ارپکان، رهبر پنیادگرایان اسلامی، و تورکش، رهبر نئوفاشیست‌ها، می‌توانند فعالیت‌های سیاسی را از سر گیرند. در واقع، این ممنوعیت‌ها، بجز در مورد نیروهای ملی و مترقی، طی سالهای اخیر عملاً زیر پا گذاشته شده بود. مثلاً هر کسی پوشیده نبود، که حزب "دمکراتیک چپ"، که رهبریش در دست همسراچویت بود، در عمل زیر رهبری خود او قرار داشت و حزب "راه درست" زیر رهبری دمیرل فعالیت می‌کرد.

نخست وزیر ترکیه پس از معلوم شدن نتایج همه پرسی اعلام کرد، که انتخابات عمومی پیش از موقع در اول نوامبر برگزار خواهد شد. انتخاباتی که کمونیست‌ها و دیگر نیروهای مترقی و همچنین رهبران واقعی کارگران و زحمتکشان نقشی در آن نخواهند داشت.

رهبران کنونی ترکیه و رهبرانی که از نو امکان فعالیت یافته‌اند، همه و همه پاره‌ها نشان داده‌اند، که قادر به حل ریشه‌ای مسائل بفرنج جامعه نیستند. اینان که در داخل وابسته به سرمایه‌داران و ملاکان و ارتجاع و در خارج به غرب امپریالیستی و پیمان تجاوزکارانه "ناتو" وابسته‌اند، تنها در چارچوب منافع استعمار نو امکان مانور دارند. این نمی‌تواند حلال مشکلات عظیم اقتصادی و اجتماعی ترکیه باشد.

اما کمونیست‌ها و دیگر نیروهای مترقی که در راستای بهبود وضع زندگی زحمتکشان و تبدیل ترکیه به کشوری صلح دوست و پری از پایگاه‌های نظامی امپریالیسم مبارزه می‌کنند و از پشتیبانی فعال مردم ترکیه برخوردارند، زمینه‌های مناسبی برای گسترده سیاسی و اجتماعی در پراپشان وجود دارد.

چند روز پیش از سفر دبیرکل سازمان ملل متحد به ایران برای مذاکره پیرامون اجرای قطننامه ۵۹۸ شورای امنیت سخنوری سپاه در گفتگویی اظهار داشت:

"طرح‌هایی به تصویب عالی‌ترین مقامات ج.ا. رسیده، که بموجب آن تمامی امکانات کشور در خدمت اهداف جنگ قرار خواهد گرفت". رفسنجانی نیز با وقاحت تمام کشورهای همجوار را تهدید می‌کند که "تضمینی نداریم که بطور کلی اگر عراق را شکست دهیم، جنگ تمام شود". وی در جای دیگر می‌گوید: "ما خود را برای شرایط بحرانی آماده کرده‌ایم و اگر همه راه‌ها در جنگ بسته شود، وارد مرحله نهائی خواهیم شد". ما چنین اظهاراتی را حداقل ماچراچویانه میدانیم و در آستانه سفر یرس دوکوئیاری، دبیرکل سازمان ملل متحد، بار دیگر یادآور می‌شویم که اجرای قطننامه ۵۹۸ شورای امنیت خواست مردم میهن ماست و باید رژیم جنگ طلب جمهوری اسلامی را به اجرای مفاد این قطننامه وادار ساخت.

آنان

آنان

همچون مورچگان در خاک
همچون ماهیان در آب
همچون پرندگان در هوا

بیشمارند

بیشمارند

آنان

ترسویند
بی‌باکند
نادانند
آگاهند
"کودک‌واز" اند
ویرانگرند
سازنده‌اند
وماجرایشان

تنها و تنها

در نامه * ماست

□

آنان

فربیب خائنان می‌خورند
برچم از کف رهامی‌کنند
و پشت بر سپاه خم
راه خانه در پیش می‌گیرند

آنان

هر مرتد آن شمشیر تیز می‌آزود
همانند "درختی سبز" می‌خندند
بی‌نیاز از مرثیه چون ابر می‌گیرند
همچون ژندبقان بی‌ایمان،
گاهی کفر می‌گویند

آنان

ماجرایشان

تنها و تنها

در نامه * ماست

□

آهن و مس و ذغال و قند
رشته‌های گوناگون صنعتی
عشق، بندگی و زندگی
آسمان باز

هر و بحر همکاران

بستر تمین رودها

خاک شخم خورده

شهرها

همه،

در کرک و میش یک سپیده دم

دگر گوته می‌شوند

در کرک و میش یک سپیده دم

در جوار تبرگی اگر

آنان

نکارگران شکلهای بی‌بدیل
هر تن زلال جامها

آنان

شکست خوردگان و فاتحان قرن ما
به خاک بگشردند دستهای آهنین و پاشوند
(وه چه نیک گفته‌اند)

"در نبرد مرگ و زندگی

کجا ز دست می‌دهند

جز قیود بندگی"

نظام حکمت

التهج :

آرایش کنونی نیروهای اجتماعی و نفوذ عامل مذهب در جهان عرب

صلح و سوسیالیسم " در شماره ۸ خود گزارش فشرده ای از "گردهمایی نیکوزیا" را منتشر ساخته و "التهج" شماره ۹ ویژه ای را به این گردهمایی اختصاص داده است.

در زیر متن رساله ای را، که "التهج" بعنوان پایه بحث این گردهمایی تهیه دیده بود، از نظر خوانندگان می گذرانیم.

روش است که نظرات ابراز شده در این رساله الزاماً نظرات ما نیست.

چنانکه در شماره ۱۴۸ "نامه مردم" خبر دادیم، در روزهای ۱۹-۱۸ مارس ۱۹۸۷ گردهمایی بین المللی درباره "تجربه های احزاب کمونیستی و کارگری در کشورهای مسلمان نشین در نیکوزیا برگزار شد. در این گردهمایی نمایندگان احزاب ۱۴ کشور، از جمله حزب توده ایران، شرکت کردند. از جمله منتکران برگزاری این گردهمایی مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم" و "التهج"، نشریه احزاب کمونیستی و کارگری کشورهای عرب بودند. "مسائل

۱- مقدمه کلی

سوریه، عراق، کشورهای خلیج، مصر و الجزایر وضع بدین منوال است. باید به این نکته توجه داشت که دوران کنونی با تشدید مبارزه ملی و اجتماعی میان جنبشهای رهایی بخش ملی عربی از یک سو و امپریالیسم و صهیونیسم از سوی دیگر، مبارزه میان نیروهای مترقی و ارتجاعی، و مبارزه تشدید در درون خود جنبش رهایی بخش ملی که نیروهای طبقاتی گوناگونی را در بر می گیرد، مشخص می شود.

در جریان این مبارزات یک رشته تحولات اجتماعی-اقتصادی روی داده که صورت بندی اجتماعی کشورهای ما را از فئودالیسم به سرمایه داری تغییر داده است. بدیگر سخن، این جریان به معنی بر انداختن مناسبات فئودالی و ماقبل سرمایه داری به شیوه انقلابی یا از طریق اصلاحات از بالا، به معنی حرکت به سوی رشدی است که یابنده شالوده بخش دولتی (سرمایه داری دولتی) یابنده پایه سرمایه داری خصوصی باشد، با این دید که بر وابستگی چیرگی یابد یا در شرایط وابستگی فزاینده به اقتصاد جهانی سرمایه داری باقی بماند. روندهای عینی که از این رشد ناشی شده اند، بویژه بر افتادن مناسبات فئودالی از یک سو و فقیر شدن لایه های بینابینی در جریان رشد سرمایه داری از سوی دیگر، یک جنبش پر خاشتر اجتماعی را که مخالف این رشد است پدید می آورد؛ جنبشی که با بوسیله زمینداران یعنی از خاستگاه ارتجاعی به راه می افتد، با از جانب لایه های بینابینی بویژه تولید کنندگان کوچکی که مواضع خود را از دست داده اند برانگیخته می شود.

این جنبشها غالباً خصلت مذهبی می یابند و به گذشته چون روزگاران طلبایی می تگرند که باید از نوزنده شود. این گرایش یعنی بیدایش جنبشهای مذهبی - نه فقط تحت تاثیر شدید روندهای عینی اجتماعی - اقتصادی که ذاتی سرمایه داری است، بلکه همچنین بر اثر یک رشته عوامل دیگر، نیرومندتر می شود. از جمله این عوامل، قبل از همه همانا جلوگیری پردامنه و بی رحمانه از فعالیت احزاب طبقه کارگر است که گاه به نشیب یا به پیدایش خلا می انجامد. و بدینسان این سازمانها را از امکانات جلب قشرهای متوسط جامعه به جنبش انقلابی محروم می سازد. دیگر آن که، طبقات حاکم غالباً فعالیت مجامع و نیروهای مذهبی را تشویق و ترغیب می کنند، به اعتبار آن که از آنها بر ضد خطر طبقه کارگر استفاده شود و اندیشه ها و نفوذ نیروهای انقلابی مورد کنترل قرار گیرد.

گرایشی که منافع زمینداران را منعکس می سازد، جریانی سنتی و احیاططلب است که با مواضع ارتجاعی باستکریبهای مترقی - رشد سرمایه داری - مخالفت می کند. پر خاش علیه این سنگریبها صرفاً از موضع فئودالی انجام می شود. اما گرایش دیگر، به رغم خصلت سنتی و احیاططلبانه اش، از نظر ایدئولوژی توان ملی و ضد امپریالیستی دارد؛ ظرفیتی از پر خاش (اعتراض پیکارجویانه) دمکراتیک دارد که مخالف وابستگی است و با آفات اجتماعی ای که ذاتی رشد سرمایه داری وابسته و انکلی هستند، ضدیت می کند.

۲- ایدئولوژی جنبشهای مذهبی

ایدئولوژی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نیروهای مذهبی برخی عوامل مشترک دارند. در حالی که به سبب پاره ای تفاوتها از یکدیگر متمایزند. گاه ملاحظه می شود که یک سیستم ایدئولوژیکی معین، بر حسب کشورهای مختلف، نقشیهای اقتصادی و اجتماعی متفاوتی را بازی می کند. بنابر این، شباهت های ایدئولوژیکی به تنهایی کافی نیستند که نقش واقعی ایدئولوژی مفروض را

کلاسیک های مارکسیسم - لنینیسم به مذاهب بطور کلی چون پدیده هایی تاریخی در قلمرو آگاهی اجتماعی تکرسته اند. بدان معنی که چگونگی آنها را هستی اجتماعی تعیین می کند. بنابر این، بررسی پدیده مذهب ایجاب می کند که خود هستی اجتماعی مورد پژوهش قرار گیرد. مارکس و انگلس تاکید می کردند که برای شناخت عالم لاهوت (الهی، معنوی) لازم است که درباره دنیای ناسوت (طبیعی، مادی) تحقیق شود. این کلاسیک ها همچنین مذهب را چون بازتاب و ارونه جهان واقعی که بر اثر جهل نسبت به طبیعت و روندهای آن روی داده است، توضیح می دهند. آنان همچنین بقایای هنوز زنده این شکل از آگاهی را در عصر سرمایه داری به تاثیر شدید نیروهای اجتماعی ناشناخته ای نسبت می دهند که در ورای تولید کنندگان عمل می کنند، خواه این نیروها پر خاشته از بین خود آنان باشد یا از گذشته به ارث مانده باشند (مراجعه شود، مثلاً به "آنتی دورینگ").

جهل نسبت به طبیعت بر اثر پیشرفت دانش از میان رفته است و عدم معرفت به قوانین اجتماعی نیز نه تنها با پیشرفت دانش، بل همچنین بوسیله جامعه که قوانین رشد خود را مهار می کند و آگاهانه آنها را به کار می بندد، به نابودی گرایده است. وانگهی، آگاهی های مذهبی در زندگی اجتماعی نقش دوگانه ای بازی می کنند: از یک سو، محتوای آنها پر خاش و با به سخن مارکس غریب ستندیدگان است؛ از سوی دیگر خصلت تخدیر کننده دارند که در ازای واقعیت های تلخ جهان، که شراب برای نفی آنها هنوز آماده نیست، یاداش خیالی ارزانی می دارند؛ یا چنانکه مارکس می گفت این بندار بر آمد جهانی است که خود به چنین پنداری نیاز دارد ("انتقاد از فلسفه حقوق هگل").

ایدئولوژی مذهبی را بردگان و سرفها و دهقانان و لایه های اجتماعی دیگر همانند درفش ایدئولوژیکی جنبش های اجتماعی خود به کار بستند؛ و چنین جنبشهایی همواره از نظر محتوا جنبشهای انقلابی بوده اند. آگاهی مذهبی فقط شکل خارجی جنبشها بسته به سطح رشد آنها بوده است. از سوی دیگر، همین ایدئولوژی، در شرایط تاریخی معین، چون پریمی از طرف برده داران، و نیروهای فئودالی و امپریالیستی و ارتجاعی مورد بهره برداری قرار گرفته است (رجوع شود به "جنگ دهقانی در آلمان"، انگلس، "لودویک فویر باخ و پایان فلسفه کلاسیک آلمان").

هنگام بررسی اجزای تشکیل دهنده آگاهی مذهبی باید میان عنصر ایمان و عناصر اجتماعی - اخلاقی مذهب تمایز قابل شد. این تمایز کمک می کند که پدیده های ظاهراً متضاد، یعنی تشدید عنصر ایمان را در حالی که با تشدید فعالیت سیاسی - اجتماعی نهادها، و جنبشهای مذهبی همراه نباشد، و برعکس، بهتر درک کنیم (بررسی جالب توجهی را در تشخیص عناصر آگاهی مذهبی می توان در جلد سوم آثار منتخب پلخانوف یافت).

۲- شرایط اجتماعی - اقتصادی به اصطلاح "طبقه های مجدد" یا

"تجدید حیات" مذهبی در جهان عرب

جنبشهای سیاسی و اجتماعی با خصلت مذهبی از سالهای ۷۰ پدید آمده و بویژه در برخی از کشورهای عربی و کشورهای دیگر منطقه (ایران، پاکستان) شتاب گرفتند. این جنبشها تا آن حد گسترش یافتند که در پاره ای از کشورها (ایران) به قدرت رسیدند، در جای دیگر (سودان) در قدرت سهیم شدند، یا در میان برخی از لایه های اجتماعی نفوذ سیاسی به هم زدند. این جنبشها، صرف نظر از خصلت و محتوای اجتماعی شان، نقش سیاسی برجسته ای ایفا می کنند. چنانکه در

نقشی که این جنبشها در عرصه مترقی اجتماعی بر عهده می‌گیرند، به همین گونه، جنبه دوگانه دارد؛ رشد گرایش مثبت در آنها بدون آنکه جنبش طبقه کارگر نقش فزاینده‌ای را ایفا کند، غیر قابل درک است.

۵- نقش جریانهای مذهبی در مبارزه بین‌المللی و بهکار برای صلح، بر ضد جنگ و بر خوردهای منطقه‌ای

هم اکنون یادآوری کردیم که هر چند بیشتر نیروهای اسلامی "نه شرقی، نه غربی" را به عنوان شعار خود می‌پذیرند و غالباً تمایل دارند که نظام جهانی سوسیالیسم را با نظام جهانی سرمایه‌داری برابر شارند و "اسلام" را مطلقاً در برابر "جهان مادی" قرار دهند، و غیره، اما برخی از آنان در رفتار واقعی خود موضعی به جانبداری از امپریالیسم می‌گیرند و برخی دیگر موضع کلی ضد امپریالیستی اتخاذ می‌کنند.

نیروهای مذهبی در برنامه‌های خود در قبال مسائل صلح و جنگ و وظیفه‌ای تعیین نمی‌کنند. حتی آنها که گرایشهای ضد امپریالیستی ابراز می‌کنند در مسایل مربوط به مبارزه بخاطر صلح جهانی مشارکت ندارند. آنان در نوعی انزوا به سر می‌برند و از این مسئله بی‌نیاهیت مهم بسیار فاصله گرفته‌اند. موضع نیروهای اسلامی در قبال جنگ و ستیزهای محلی و منطقه‌ای به شرایط بسیار بستگی دارد، به گونه‌ای که موضعگیری واحد در این زمینه را منتفی می‌سازد. به عنوان مثال مخالفت تونس اسلامی با جنگ ایران و عراق را یادآور می‌شویم.

۶- در اوضاع و احوال کنونی و طی یک دوران تاریخی بلند- مدت، مذهب به ایفای یک نقش مهم در زندگی بخشهای گسترده‌ای از توده‌های خلق، بویژه در روستا، در بین تولید کنندگان کوچک و نیز در میان لایه‌های بینابینی شهر همچنان ادامه خواهد داد.

رشد سرمایه‌داری در منطقه ما که در زمینه‌ای از وابستگی به اقتصاد سرمایه‌داری جهانی و با آهنگ متفاوت رخ می‌نماید و مبارزات ملی و اجتماعی را شدت می‌بخشد، در عین حال، شالوده‌ای عینی برای گسترش اعتراض اجتماعی و گرایشهای فزاینده ضد امپریالیستی و میهنی می‌افکند.

لایه‌های تولید کنندگان کوچک، بخاطر وزن قابل ملاحظه‌شان در جوامع رشد نیافته، ما، در این مبارزه نقش عمده‌ای ایفا می‌کنند. این لایه‌ها، بطور کلی، با تمایلات به مذهب، بویژه از جنبه اعتقادی، از دیگران متمایزند. با این همه، چگونگی و دامنه عملیاتی که آنها زیر لوای مذهب بر عهده می‌گیرند به قوت یا ضعف احزاب طبقه کارگر بستگی دارد، که بتوانند این لایه‌ها را جلب کنند. در تقاضاها اعتراض آمیز اجتماعی‌ای که این نیروها در اشکال مذهبی جنبشها، اجتماعات، گرایشها و غیره به نمایش می‌گذارند، خشم بالقوه آنان را در جهت انقلابی، یا رفتار مثبت سوق دهند.

بر خورد مثبت در قبال این پدیده، توأم با تلاش برای پیشبرد مبارزه پیگیر ایدئولوژیکی و تقویت نفوذ احزاب طبقه کارگر، ممکن است موجب رشد گرایشهای دمکراتیک در جاده "الهیات رهایی" گردد و مانع شود که این

نقش تفکر اسلامی را نمی‌توان جدا از نقش نیروهای اجتماعی مورد بررسی قرار داد.

نیروها، در مجموع، به مواضع دشمنی با کمونیسم و پیشرفت اجتماعی روی آور شوند.

این ملاحظات مقدماتی می‌تواند یک چهارچوب کلی برای بررسی پدیده‌های جنبشهای اسلامی در جهان عرب بدست دهد؛ جنبشهایی که بویژه در میان لایه‌های بینابینی وسیعاً گسترش یافته‌اند، در حالی که در طبقه کارگر نفوذی ندارند یا نفوذشان اندک است. به رغم خصلت اعتزالی برخی از جنبشها در پاره‌ای از کشورها (لبنان، منطقه شرقی عربستان سعودی)، اینها عموماً جنبشهای سیاسی لایه‌های اجتماعی خاصی هستند که بر حسب شرایط شان با نقش ارتجاعی با رسالت ملی - میهنی را ایفا می‌کنند. بررسی مشخص موقعیت‌های مشخص، تنها راهی است که شیوه فعالیت در عرصه ایدئولوژیکی و نیز در عرصه پر ایتیک کنونی را اصلاح می‌کند.

اشکار سازند. برای تشخیص این نقش باید به حامل اجتماعی آن - یعنی به گروه اجتماعی وابسته به آن ایدئولوژی - به وضع کنونی آن، به فعالیت آن و به مواضع مشخص آن در یک کشور معین توجه کرد.

انواع اندیشه‌های ایدئولوژیکی نیروهای سیاسی - مذهبی (اسلامی) را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

الف - انتقاد اخلاقی از مفاد سرمایه‌داری، در عین حال دفاع از مالکیت خصوصی سرمایه‌داری (اخوان المسلمین در مصر و سودان، گرایشهای مذهبی در عراق و تمایل احیاط‌پایانه قنوشی در تونس). از سوی دیگر، در ادبیات سیاسی سایر کشورها نشانه‌هایی از مخالفت با مالکیت خصوصی سرمایه‌داری نیز به چشم می‌خورد (قورشی در تونس، المدرسی در عراق).
ب - گرایش نیرومند ضد سوسیالیستی و ضد کمونیستی از موضع تضاد خیالی میان مومنان و غیر مومنان، یا از موضع امتناع از برانداختن مالکیت خصوصی آزاد.

رشد سرمایه‌داری در منطقه ما که در زمینه‌ای از وابستگی به اقتصاد سرمایه‌داری جهانی و با آهنگ متفاوت رخ می‌نماید و مبارزات ملی و اجتماعی را شدت می‌بخشد، در عین حال شالوده‌ای عینی برای گسترش اعتراض اجتماعی و گرایشهای فزاینده ضد امپریالیستی و میهنی می‌افکند.

ب - همه نیروهای اسلامی خود را مخالف دیکتاتوری و با چلوگری از دمکراسی سیاسی نشان می‌دهند؛ هر چند که خود آنها راهی را پیش می‌نهند که هدف آن تحمیل حاکمیت یک حزبی در یک دولت تئوکراتیک (حکومت الهی) خالص است (به استثنای مورد "قورشی" در تونس که از یلورالیسم (حکومت چند حزبی) سیاسی و دمکراتیک جانبداری می‌کند).

ت - همه نیروهای اسلامی، با بیشتر آنان، مخالف برقراری یک دولت غیرمذهبی هستند و بر آنند که همه ناکامی‌های ملی و بحرانهای اجتماعی - اقتصادی ناشی از جدا شدن مذهب از دولت است. بنابراین عقیده، در نظر آنان راه حل عبارت است از احیای گذشته، افتخار آمیز حکومت تئوکراتیک که در آن حاکم، در عین حال، زمام امور مذهبی و دولتی هر دو را در کف خود دارد.

ث - برنامه‌های اقتصادی نیروهای اسلامی دارای مشخصات زیرین هستند:

۱ - دفاع از سرمایه‌داری یا سرمایه‌داری همراه با فئودالیسم، در عین حال پیشنهاد اصلاحاتی برای محدود ساختن سو استفاده از مالکیت خصوصی؛
۲ - یک راه حل بینابینی اسلامی بر شالوده متداول کردن و عمومیت دادن به تعاونی‌ها (المدرسی در عراق)؛
۳ - اندیشه مالکیت اجتماعی و ضرورت تغییر مناسبات موجود مالکیت (قورشی در تونس). این برنامه‌ها طبعی را تشکیل می‌دهند که از دفاع از مالکیت فئودالی و سرمایه‌داری گرفته تا اصلاحات بورژوازی و خرده‌بورژوازی را در بر می‌گیرد. این حالت اخیر برای رشد به سوی آنچه که امروزه به عنوان "الهیات رهایی" شناخته شده است توان بالقوه‌ای در بر دارد.

۴- نقش اندیشه اسلامی در مبارزه ضد امپریالیستی و در راه رهائی و ترقی اجتماعی

نقش تفکر اسلامی را نمی‌توان جدا از نقش نیروهای اجتماعی‌ای که این طرز تفکر را می‌پذیرند با زیر لوای آن عمل می‌کنند، بررسی کرد. ما یادآور شدیم که اندیشه اسلامی بر حسب رفتار سیاسی - عملی نیروهای حامل این اندیشه، نقشهای متضاد بازی می‌کند: از یک سوی، گرایش ضد امپریالیستی بویژه علیه امپریالیسم آمریکا، توسعه طلبی اسرائیل، توطئه کمپ دیوید و غارت منابع منطقه است (ایران، عراق و برخی از نیروهای مذهبی در مصر و تونس). از سوی دیگر، گرایش با ستگیری مخالف در اندیشه و رفتار سایر نیروهای اسلامی وجود دارد (اخوان المسلمین در سودان و سوریه، جنبش وهابی که رژیم سعودی آن را نمایندگی می‌کند، و غیره).

بیشتر نیروهای اسلامی، اگر نه همه آنان، شعار "نه شرقی، نه غربی" - یعنی در قبال دو نظام اجتماعی جهانی مخالف یکدیگر به یکسان فاصله گرفتن - را می‌پذیرند. اما، به رغم این شعار، موضعی که عملاً گرفته می‌شود یا قرار گرفتن در جهان امپریالیسم است، یا نوعی مقابله با آن.

پیام سازمان جوانان

عمرانی کشوری به حالت تعطیل درآمد و سیستم آموزشی کشور در خطر نابودی قرار گرفته است.

کلیه طرح های آموزشی رژیم با شکست مواجه شده است. "انقلاب فرهنگی" کذائی، به اعتراف خود مقامات حکومتی، مدت هاست که پن پست رسیده است. علی رغم وجودده ها نهاد رنکارنگ، نظیر "شورای عالی انقلاب فرهنگی"، "شورای فرهنگ عمومی"، "جهاد دانشگاهی"، "نمایندگان منتظری در دانشگاه ها"،

کمیسیون آموزشی مجلس"، "وزارت آموزش عالی"، "وزارت آموزش و پرورش" ... رژیم نتوانسته است هیچگونه تحول مثبتی در نظام آموزش و پرورش کشور، اعم از ابتدائی و متوسطه و عالی، ایجاد کند. این بحران که در درجه اول ناشی از تلاش سران رژیم برای "اسلامی کردن" دانشگاه ها و مدارس است، سیستم آموزشی را در ورطه سقوط و نابودی قرار داده است.

در نتیجه سیاست ارتجاعی رژیم در عرصه آموزشی، تبعیض طبقاتی پشتت تعمیق یافته است. رژیم نه تنها گامی در جهت تقسیم عادلانه امکان های آموزشی پرنداشته است، بلکه از طریق بازگذااردن دست پخش خصوصی در امور آموزشی، که سبب رویش قارچ وارانواع و اقسام "موسسات آموزشی" در کشور گردیده است، دست بسیاری از فرزندان زحمتکشان را از امکانات ناچیز موجود نیز کوتاه کرده است.

هم اکنون موسسات آموزشی چون "دانشگاه آزاد اسلامی" با داشتن ۱۷۰۰۰ تومان شهریه سالیانه عملا از دسترس اکثریت قاطع فرزندان زحمتکشان جامعه خارج است. همه ساله عده پیشماری از نوجوانان و جوانان میهن ما به علت کمبود فضا و امکانات آموزشی از تحصیل محروم می شوند. هم اکنون ۵ میلیون کودک زحمتکش از جمله روستازادگان و فرزندان عشایر وطن با چشمانی حسرت بار به مدارس می نگرند، اما به درون آنها راهی نمی یابند.

وضع بهداشت مدارس اسفبار است. اکثر فرزندان زحمتکشان از سوءتغذیه عذاب می کشند. چه بسا دانش آموزانی که سرکلاس های درس از گرسنگی از حال می روند. دولت پچای پرداخت کمک هزینه تحصیلی به این دانش آموزان بی بضاعت روش صدقه و خیرات دهی را در پیش گرفته است.

در عرصه آموزش عالی نیز وضع در مجموع به همین منوال است. امسال از نزدیک به ۶۰۰ هزار شرکت کننده در آزمون سراسری تنها ۱۰ درصد خواهند توانست به دانشگاه راه یابند و بقیه یا عازم چپه های جنگ بی سرانجام خواهند شد و یا به اردوی میلیونی پیکاران کشور خواهند پیوست. تازه آن گروه از دانشجویانی که به دانشگاه ها راه می یابند از همان ابتدا با مشکلات عدیده ای چون نبودن کتاب های درسی، نبودن کادر علمی، پائین بودن مبلغ کمک هزینه تحصیلی، عدم پرداخت به موقع آن، کمبود خوابگاه و گرانی سرسام آور "سلف سرویس"

دانشگاه، و پررومی شوند.

دختران دانش آموز و دانشجو در عرصه آموزشی تحت شدیدترین تبعیض ها و ستم ها قرار دارند. عوامل و مزدوران رژیم در مدارس و دانشگاه ها به پنهان های مختلف مانند عدم رعایت "حجاب اسلامی" زندگی را پر دختران سیاه کرده اند. سران رژیم با دیدگاه قرون وسطائی خود زنان قهرمان میهن ما را موجوداتی "ناقص العقل" می دانند و هر روز محدودیت های جدیدتری را برای شرکت زنان در فعالیت های اجتماعی ایجاد می کنند. در این چهارچوب دختران دانش آموز و دانشجو از تحصیل منع و به "ازدواج های موقت" و "خانه داری" و "بچه داری" تشویق می شوند. اعتیاد روز به روز در مدارس و موسسات آموزشی کشور رواج بیشتری می یابد.

مجموعه عوامل ذکر شده موجب تزلزل شدید سطح آموزش و پرورش در کشور و ژرفش بحران فرهنگی آموزشی در جامعه گردیده است.

افزودن پر آنچه که ذکر شد، رژیم در سال گذشته تلاش گسترده ای را برای کشاندن وسیع جوانان به چپه های جنگ آغاز کرد. ادامه طرح های ارتجاعی و ضد مردمی چون "دانش آموز- پاسدار"، "دانشگاه در چپه" که به قصد فریب دانش آموزان و دانشجویان تدارک دیده شده بود، در عین حال، نشانگر مقاومت روزافزون جوانان و نوجوانان میهن مان در مقابل سیاست های جنگ طلبانه رژیم بود. این سیاست های ارتجاعی در کنار تشدید چواختناق و آزادی کثی را باید از علل عمده مهاجرت بی سابقه گروه کثیری از جوانان و نوجوانان کشور مان به ترکیه، پاکستان و برخی کشورهای اروپائی دانست.

دانش آموزان و دانشجویان عزیز!

وضع موجود، نتیجه مستقیم تسلط رژیم چنایتکار خمینی بر جامعه ماست. حکام چهل پرور چ.ا. با تیشه زدن به ریشه نظام آموزشی کشورمان و تشدید فشار بر شما می کوشند، تا افکار ارتجاعی خود را در میان ۱۱ میلیون دانش آموز و دانشجو رواج دهند و بدین ترتیب سنگر مدارس و دانشگاه ها را تسخیر کنند. اما رشد و گسترش جنبش اعتراضی در میان دانش آموزان و دانشجویان در سال تحصیلی گذشته نشانگر این واقعیت انکار ناپذیر است که مرتجعین حاکم در دستیابی به هدف های خود ناکام بوده اند.

سال گذشته نوید پخش رشد جنبش دانش آموزی و دانشجویی کشورمان بود. سخنگویان رژیم یکی پس از دیگری از خطری که در دانشگاه ها و مدارس آنها را تهدید میکند، سخن راندند و از انواع شیوه های پلید و ارتجاعی در جهت سرکوب این جنبش بهره گرفتند.

موج ناراضیتی در موسسات آموزشی آنچنان بالا گرفت که حتی دامنه آن به کنگره "انجمن های اسلامی" دانشگاه ها نیز کشیده شد. شرکت فعال شما دانش آموزان و دانشجویان انقلابی در حرکت های اعتراضی مختلف علیه رژیم نشان داد که جنبش دانش آموزی و دانشجویی در صورت سازماندهی صحیح و اتحاد عمل توانائی آن را دارد

تا دیگر بار جای شایسته خود را در جنبش همگانی خلق برای سرنگونی رژیم چنایتکار جمهوری اسلامی باز یابد. در این عرصه، به گمان ما، وظایف زیرین در مقابل همه دانش آموزان و دانشجویان مبارز و انقلابی واز جمله اعضا و هواداران سازمان ما قرار دارد:

۱- تشکیل هسته های مخفی از عناصر آگاه و پیشرو در مدارس و دانشگاه ها در جهت افشاکری هرچه بیشتر رژیم و سازماندهی و جهت دادن به اعتراض های پراکنده دانشجویان و دانش آموزان

۲- برگزاری جلسات همبستگی با اعتراض ها و اعتصاب های دانشجویی و دانش آموزی مناطق مختلف؛

۳- پاسداری از سنن قهرمانانه مبارزه جنبش دانشجویی کشور، برگزاری روزهای تاریخی مانند ۱۲ آبان ("روز دانش آموز") و ۱۶ آذر "روز دانشجو" در ایران و تبدیل این مراسم به عرصه هائی برای افشای هرچه بیشتر ماهیت پلید و ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی؛

۴- افشاء و طرد جاسوسان رژیم در مراکز تحصیلی؛

۵- سازمان دادن حرکت های اعتراضی علیه مدارس و دانشگاه های خصوصی و درخواست برای لغو شهریه و مبارزه برای جلوگیری از تخلیه مدارس؛

۶- مبارزه در راه ایجاد شوراهای مدارس، انجمن های صنفی مستقل و دیگر تشکل های دانشجویی و دانش آموزی؛

۷- دفاع از حقوق دمکراتیک معلمان و استادان زحمتکش، که بدست ایادی رژیم اخراج گردیده اند و درخواست بازگرداندن فرهنگیان و دانشگامیان مترقی و دکراندیش.

۸- شرکت فعال در جهت گسترش و تشکیل کمیته های ضد جنگ، افشای سیاست ارتجاعی و ضد مردمی رژیم در زمینه ادامه جنگ ایران و عراق - افشای طرح های عوامفریبانه ای چون "دانش آموز- پاسدار" و "دانشگاه در چپه" برای دانش آموزان و دانشجویان؛

۹- تشویق جوانان و نوجوانان به تحریم چپه های جنگ؛

۱۰- کار در میان نیروهای مسلح و تشکیل هسته های مقاومت در میان نیروهای جوان، بسیجی، پاسدار و ارتشی.

۱۱- فعالیت گسترده در کمک رساندن و اهراز همبستگی با زندانیان سیاسی ایران و خانواده های آنان.

۱۲- از آذرماه سال گذشته تاکنون زندانیان سیاسی ایران چندبار با اعتصاب مکرر غذا در سیاه جال های رژیم حماسه های بی ماندی از رشادت و قهرمانی را در برابر دژخیمان به نمایش گذاشتند که بی شک احترام وحن ممدردی عمیق همه هم میهنانمان را در برابر دژخیمان به خود چلپ کرد. پخش وسیع خبرهای مربوط به این اعتصاب ها و بسیج افکار عمومی در اعتراض به پیدادگری های ضد انسانی رژیم، شرکت در

در واقع ائتلافی است مانند "اوپنیداد پیولار"، بدون آنکه تکرار آن باشد.

پرش: این هم پیمانی دارای چه ساختاری است؟ آیا تشکیل "ایس کپیدا اوپیدا" بمعنای انحلال "جنبش خلق دمکراتیک" است، که چهار حزب متعلق به آن در "چپ متحد" نیز عضویت دارند؟

پاسخ: درباره سؤال آخر متأسفانه هنوز اطلاعاتی کافی ندارم و اما درباره ساختار "چپ متحد"، میدانم، که رهبری مشترکی، که کلودمیرو آلمیدا بر راس آن قرار دارد، انتخاب شده است. انتخاب آلمیدا از یکسو پیاس محبوبیتی صورت گرفت که معاون و وزیر کابینه آینده در میان مردم دارد و از سوی دیگر اهمیتی که احزاب "ایوزسیون" برای آزادی زندانیان سیاسی و حق بازگشت همه شیلیایی‌های تبعیدی به میهن خود قائل هستند.

پرش: چند لحظه پیش از هدف مشخص "چپ متحد" صحبت کردی...

پاسخ: البته هدف نهایی براندازی دیکتاتوری در شیلی است. اما در این لحظه، اهمیت ویژه دارد، که در پراپر "قانون احزاب" و شرکت در پاصطلاح انتخابات موضع روشنی اختیار کنیم؛ در یک رژیم فاشیستی، انتخابات آزاد چیزی است محال. "چپ متحد" مخالف قانون اساسی فاشیستی ۱۹۸۱، "قانون احزاب" و اصولا همه قوانین سیاسی رژیم دیکتاتوری است.

اتحاد همه نیروهای "ایوزسیون" و پیچ اجتماعی همه مردم برای دستیابی به حقوق خویش در مرکز برنامه مشترک "چپ متحد" قرار دارد. تشکیل "چپ متحد" گام بزرگی است در راه اتحاد همه نیروها. چپه‌ای چنین وسیع بهتر میتواند راه گفتگو را با احزاب "میان رو" بگشاید، تا آنها احزاب مارکسیستی.

طرز نفوذ "خراپکاران" و راه مقابله با آنها نشان داده شد. این فیلهما، که ساخته سازمانهای جاسوسی آمریکائی، بریتانیا و آلمان غربی هستند در دوران رژیم پیشین نیز هر از چندی برای کارکنان ارتش نمایش داده می‌شد و امروزه از جمله از همان روش برای شستشوی مغزی کارکنان سپاه، پیچ، ارتش و دیگر "نهادهای حساس" استفاده می‌شود. عوامل رژیم می‌کوشند، تا کارکنان را به کسب اطلاعات و کنجکاری در زندگی اطرافیان خود در محل کار و زندگی و خود پس به ارگانهای اطلاعاتی تشویق کنند.

صد و پنجاه تومان برای پناهگاه

رژیم به کسانی که مایل به ساختن پناهگاه در خانه خود هستند ۱۵۰ تومان پول و یک کیسه سیمان می‌دهد. با این پول و سیمان ساختن پناهگاه حتی برای یک مرغ کار مشکلی است، چه رسد به چند نفر انسان.

اتحاد: پاسخ مردم شیلی...

یورش دیگری را برای سرکوب آن آغاز کرده است. در این زمینه میتوان از "عملیات آلبانیا" (نامی که پلیس مخفی شیلی به کشتار ۱۲ جوان داده است) یاد کرد.

اکنون نیز پلیس زیر عنوان "عملیات کوندور" در محله‌های کارگری به تعقیب و آزار مردم، پیوسته هواداران "جبهه میهنی مانوئل رودریگس" اشتغال دارد. یکی دیگر از نشانه‌های تشدید اختناق اعلام چرم دادستانهای نظامی علیه پناهنده‌های پرینگ من و یازده میهن دوست دیگر است، که با وی دستگیر شدند.

بینوشه با این یورش سرکوبگرانه همچنین میخواهد، قدرت خود را به رخ دیگران بکشد و از اینراه به مسائلی، که در درون رژیم دیکتاتوری پدید آمده است، بپردازد. اعلام نامزدی بینوشه برای انتخابات ریاست جمهوری برای همه نظامیان خوش آیند نیست. افسرانی، مانند ماته (نیروی هوایی) و مارینو (نیروی دریایی)، به صراحت گفته‌اند، که طرفدار رئیس جمهوری غیرنظامی هستند. در چنین شرایطی است، که پیدایش ائتلافی از نیروهای چپ، با هدف مشخص، اهمیت ویژه می‌یابد.

پرش: درباره احزاب "چپ متحد" قدری بیشتر توضیح بده.

پاسخ: از یکسو، احزاب مارکسیستی هستند، مانند "حزب کمونیست شیلی"، "حزب سوسیالیست شیلی" و "حزب تاریخی سوسیالیستی" (پدین ترتیب، در عین حال کامی در جهت اتحاد خود احزاب سوسیالیستی برداشته شد) و از سوی دیگر، "حزب رادیکال شیلی"، "چپ مسیحی"، "مایو" و "میر". "چپ متحد"



صنایع دفاعی یا جاسوسی؟

به کارکنان "صنایع دفاعی" روش مقابله با جاسوسان و دشمنان "آموزش داده می‌شود. اخیرا ۴۰ نفر از دبیلیمه‌های فارغ التحصیل اولین دوره هنرستان فنی (مربوط به صنایع دفاع)، که با تعهد ۱۰ ساله به استخدام درآمده‌اند، در یک کلاس چند ساعته در زمینه یاد شده شرکت کردند. یکی از مسئولان "حراست و اطلاعات" در زمینه چگونگی مقابله با نیروهای مترقی و انقلابی و نیز پیشگیری از رخنه "اسرار نظامی" و "جنگی" به بیرون سخنرانی کرد و فیلهما از

اعتراض ما، تحمّن ما و راه پیمانی‌های خانواده‌های زندانیان سیاسی ازمهمترین وظائف مادر شرایط حاضر به شمار می‌رود. دانش آموزان و دانشجویان توده‌ای!

فروردین آینده مصادف خواهد بود با چهل و پنجمین سالگرد تأسیس سازمان جوانان توده ایران، در طول همه این سال‌ها جوانان توده‌ای همواره در پیشاپیش جنبش دانش آموزی و دانشجویی میهنمان در بیکاری ناپراپر علیه ارتجاع داخلی و امپریالیسم حاسه‌های چارودانی آفریده‌اند. چهره‌های درخشانی چون رفقا: محمد کوچک شوشتری، وارطان سالخانیان، حسین حریری، اصغر پادفر، حجت ذوالفقاری، عادل رام... بی شک همچون ستاره‌های تابناکی بر تارک جنبش جوانان میهن مان می‌درخشند.

اکنون وظائف بسیار دشواری پیش روی ماست. می‌بایستی با الهام از سنن غرورانگیز حزب توده‌ای مان، و با الهام از رهنمودهای کنفرانس ملی حزب، با گسترش صفوف خود، به سازماندهی جنبش دانش آموزی و دانشجویی کشور بپردازیم. پیاد داشته باشیم که حفظ و تحکیم پیوند میان جنبش اعتراضی و اعتصابی کارگران و زحمتکشان و جنبش مترقی دانش آموزی و دانشجویی اهمیت مبرم دارد.

پاید با تلاش خستگی ناپذیر در راه ایجاد اتحاد نزدیک میان نیروها و سازمان‌های مترقی مبارزه کرد. همانگونه که تجربه‌های دور و نزدیک‌پارها نشان داده است، بدون اتحاد نزدیک نیروها دستیابی به هدف‌های مبارزه ممکن نیست.

رفقا! اکنون دو سال از انتشار "آینده" ارکان مرکزی سازمان ما می‌گذرد. پاید تلاش کرد تا "آینده" به ارگان وسیع دانش آموزان و دانشجویان مترقی و انقلابی میهن مان تبدیل شود. "آینده" متعلق به همه دانش آموزان و دانشجویان، همه نوجوانان و جوانان کشور ماست. پاید آنان را هرچه بیشتر با "آینده" آشنا ساخت و با تکثیر و پخش آن به گسترش مبارزه یاری رساند.

ما اطمینان داریم که جنبش دانش آموزی و دانشجویی کشور پاردیگر خواهد توانست جای شایسته خود را در جنبش عمومی خلق برای سرنگونی رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی باز یابد. آینده از آن ماست و بیروزی بی شک از آن خلق‌های محروم میهن ما است.

بیروز یاد مبارزه جوانان و خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

گسترده یاد جنبش مترقی دانش آموزان و دانشجویان!

سازمان جوانان توده ایران
شهریور ۱۳۶۶

جاوید باد خاطره تابناک شهیدان راه آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی و صلح!

نگرانی کمونیست‌های عرب از اوضاع خلیج فارس

چند روز پیش روزنامه "النداء" چاپ بیروت، اعلامیه‌ای را از سوی نمایندگان احزاب کمونیستی و کارگری کشورهای عربی خاورمیانه و نزدیک، پیرامون اوضاع خلیج فارس منتشر کرد. در این اعلامیه گفته می‌شود که "تمرکز ناوگان جنگی ایالات متحده، آمریکا و برخی کشورهای عضو "ناتو" در آبهای خلیج فارس منطقه را با خطر برخورد نظامی روبرو می‌سازد و به صلح و امنیت بین‌المللی زبان می‌رساند."

در اعلامیه یادآوری می‌شود: "ناپه‌حال حدود هفتاد کشتی جنگی باسی هزار سرباز وارد خلیج فارس شده‌اند. این بزرگترین تمرکز نیروی دریایی آمریکا در خارج، پس از جنگ ویتنام است. ایالات متحده که خود از محرکان جنگ عراق و ایران است، در حالیکه نسبت به هشدارهای محافل صلحدوست بی‌اعتناست، همچنان به آتش جنگ دامن می‌زند و از آن برای توسعه دخالت خود در منطقه استفاده میکند... دولت آمریکا با دنبال کردن این شیئی تجاوزکارانه، همه فراخوان‌های کاهش و خامت در منطقه خلیج فارس و بطور مشخص - پیشنهاد دولت شوروی برای بیرون رفتن ناوگانهای جنگی بیگانه از منطقه، قطع جنگ و حل اختلافات میان ایران و عراق از راههای مسالمت آمیز را نادیده می‌گیرد."

در ادامه اعلامیه احزاب کمونیستی و کارگری عرب می‌خوانیم: "واشینگتن" بمنظور ایجاد تسلط بر سراسر منطقه، همراه مصر و سومالی، مانور "ستاره درخشان" را برگزار می‌کند و می‌کوشد تا با گسترش کانون جنگ، همه کشورهای منطقه را تابع اراده خویش سازد. در عین حال ایالات متحده امیدوار است که دولت‌های مترقی منطقه و در جای نخست سوریه، لیبی و یمن دمکراتیک را زیر فشار قرار دهد و آنها را مجبور کند که از شیئی ضد امپریالیستی خود دست بردارند تا امر خلق فلسطین با شکست روبرو شود و اشغال سرزمین‌های عربی توسط اسرائیل همیشگی گردد.

در این اعلامیه از خلق‌های عرب و نیروهای میهن پرست عربی دعوت می‌شود تا هشیار باشند، یگانگی خود را تحکیم کنند، تضادهای درجه دوم را کنار نهند و هیچگاه لزوم همبستگی خود را در مبارزه علیه فشار آمریکا و اسرائیل فراموش نکنند."

اعلامیه احزاب کمونیستی و کارگری کشورهای عربی خاورمیانه و نزدیک بویژه روی اهمیت دوستی و همکاری با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای جامعه سوسیالیستی انگشت می‌گذارد.

این اعلامیه را نمایندگان حزب کمونیست اردن، حزب کمونیست سوریه، حزب کمونیست عراق، حزب کمونیست فلسطین، حزب کمونیست لبنان، حزب کمونیست مصر، جبهه آزادی ملی بحرین و حزب کمونیست عربستان امضا کرده‌اند.

اتحاد: پاسخ مردم شیلی به اختناق

ژوئن زادروز سالوادور آلنده است. "چپ متحد" با انتخاب این روز تعهد خود را به مبارزه در راه اتحاد نشان داده است. این اتحاد مردم شیلی بود، که به ریاست جمهوری آلنده انجامید و خود آلنده همواره در راه نگهداشت و تحکیم این اتحاد کوشا بود.

پرش: اهمیت این هم پیمانی در چارچوب شرایط کنونی شیلی چیست؟

پاسخ: شیلی دوران دشواری را میگذراند. رژیم پیونوشه توانسته است، مسئله موضعگیری درباره "قانون احزاب" و باصلاح انتخابات را در مرکز بحث پهنی از "اپوزیسیون" قرار دهد. برای نمونه، برخی از دمکراتهای مسیحی تلاش می‌ورزند، تا با شناسایی "قانون احزاب" و شرکت در مضحکه انتخاباتی ۱۹۸۸، با رژیم دیکتاتوری به مغالزه بپردازند. از سوی دیگر، رژیم برای فلج کردن پهنی بیکر "اپوزیسیون"

چهارده سال پس از کودتای پیونوشه در شیلی، بار دیگر مردم این کشور با مبارزه گسترده خود عرصه را پر دیکتاتور مزدور "سیا" تنگ کرده‌اند. نیروهای مترقی و دمکراتیک شیلی چندی پیش با تشکیل جبهه "چپ متحد" (ایس کیردا اونیدا) کام پزرجی در راه تأمین اتحاد هر چه وسیع تر مردم شیلی در این مبارزه برداشتند.

"نامه مردم" باین مناسبت متن مصاحبه‌ای را از نظر خوانندگان خود میگذراند، که چندی پیش روزنامه "اونزره تسایت" (آلمان غربی) با یکی از مسئولان "حزب کمونیست شیلی" بعمل آورد:

پرش: خیرگزاریه‌ها تنها از پایه گذاری "چپ متحد" سخن میگویند. آیا در اینباره اطلاعات بیشتری داری؟

پاسخ: این همپیمانی روز ۲۶ ژوئن در سانتیاگو رسمیت یافت. تاریخ نامبرده تصادفی نیست، ۲۶

نامه احزاب چپ و دمکراتیک هند به دکوئیاری

چندی پیش احزاب چپ و دمکراتیک هند با ارسال نامه‌ای به خاوبر پرس دکوئیاری، دبیر کل سازمان ملل متحد، از وضع دهشتناک زندانهای ایران و ضرب و شتم وحشیانه زندانیان سیاسی بدست پاسداران ابراز نگرانی کردند. در این نامه ضمن اعلام خطر جدی نسبت به جان زندانیان سیاسی ایران، به اعمال وحشیانه رژیم خمینی اعتراض شده است. در نامه احزاب چپ و دمکراتیک هند به پرس دکوئیاری آمده است: "ما از شما خواستاریم که همه امکانات سازمان ملل را در جهت تغییر و بهبود وضع زندانهای ایران و آزادی زندانیان سیاسی این کشور بکار برید."

نامه یاد شده را، از جمله، دبیر کل کمیته مرکزی "حزب کمونیست هند (مارکسیست)" دبیر شورای ملی "حزب کمونیست هند"، دبیر کنفره سراسری اتحادیه‌های کارگری هند، دبیر شورای ملی "فدراسیون نویسندگان مترقی هند"، دبیر کل "فدراسیون ملی زنان هند" و همچنین دبیر کل "فدراسیون سراسری جوانان هند" امضا کرده‌اند.

بازی "دمکراسی" در ترکیه

روز ششم سپتامبر (۱۵ شهریور) در ترکیه یک همه پرسی برای لغو یک ماده از قانون اساسی مربوط به ممنوعیت فعالیت، اجتماعی حدود صد تن از رهبران احزاب سیاسی و پیش از کودتای نظامی سال ۱۹۸۰ تا سال ۱۹۷۲ انجام گرفت. سران کنونی دولت و از جمله تورگوت اوزال نخست وزیر ترکیه ظاهراً مخالف لغو این ممنوعیت‌ها بودند، ولی رای دهندگان برخلاف خواست آنان به حذف آن ماده از قانون اساسی رای دادند و بدین ترتیب راه برای بازگشت علنی رهبران احزاب سابق به زندگی سیاسی باز شد.

پیش از هر چیز باید یاد آوری کرد که این همه پرسی شامل حال رهبران حزب کمونیست ترکیه و دیگر احزاب و سازمانهای مترقی مخالف "ناتو" و همچنین اتحادیه کارگری "دیسک" و حتی "شورای صلح ترکیه" نمی‌شد و تنها رهبران احزاب سنتی بورژوازی و حتی ارتجاعی - مذهبی و فاشیستی را در برمی‌گرفت. به دیگر سخن، سبب از بازگشت دمکراسی بورژوازی به ترکیه در میان نبود بلکه رژیم کودتائی، با موافقت ضمنی رهبران سیاسی سابق می‌خواست، آخرین موانع "اخلاقی" را نیز از سر راه امپریالیست‌ها بقیه در ص ۲

به برنامه‌های رادیوی

زحمتکشان ایران گوش فرادهید!

رادیو زحمتکشان ایران هر شب در ساعت ۱۹ بمدت یکساعت روی امواج کوتاه، ردیف های ۲۸ متر، ۴۹ متر و ۶۰ متر برنامه پخش می‌کند. این برنامه در ساعت ۲۰ همانروز و صبح روز بعد تکرار می‌شود.

کمکهای مالی رسیده:

رفقای ایتالیا: ۲۸۶۰۰۰ لیر ایتالیا
۴۰ دلار
۷۵ لیر ترکیه

NAMEH
MARDOM
Nr. 172

P.B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden

15.09.1987

جبهه متحد خلق ضامن پیروزی انقلاب است